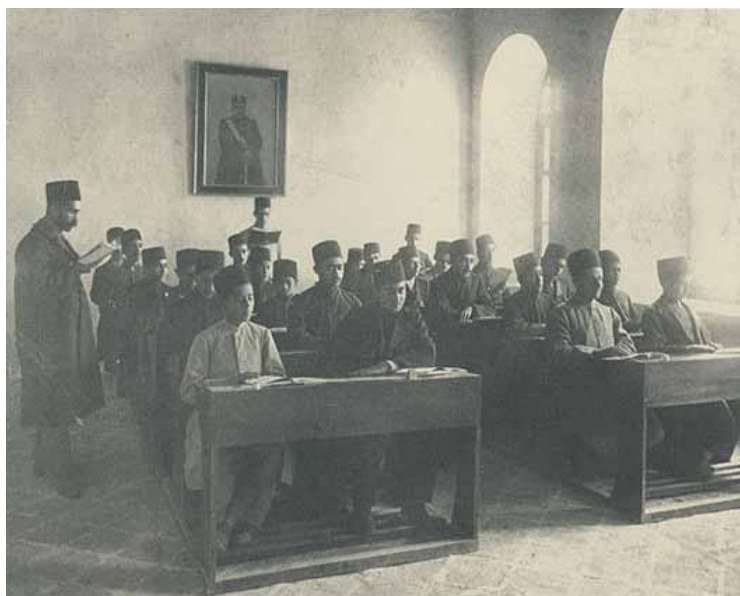


فرهاد پروانه

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان، دبیر تاریخ
farhad.parvaneh@yahoo.com

نظام نوین آموزشی در ایران، در واقع با افتتاح دارالفنون در سال ۱۲۶۸ق و تأسیس وزارت علوم در سال ۱۲۷۲ق شکل گرفت. دارالفنون را باید سرآغاز مدرسه متوسطه به سبک جدید در ایران دانست. نخستین کتاب‌های درسی که خوشنویسان آن زمان به خط نسخ یا نستعلیق نوشتند، در چاپخانه دارالفنون و به صورت چاپ سنگی تهیه شدند. بنابراین، آغاز تاریخ‌نویسی درسی برنامه‌ریزی شده را باید از زمان تأسیس دارالفنون دانست. روش تحقیق این پژوهش توصیفی تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای است. دستاورد مقاله حاکی از آن است که تأسیس مدرسه دارالفنون در روند شکل‌گیری نظام آموزشی نوین، ایجاد دوره متوسطه و چاپ کتاب‌های درسی نقش بسیار پررنگی داشته است.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، تاریخ، دوره متوسطه، کتاب‌های درسی، دارالفنون



دوره متوسطه و کتاب‌های درسی تاریخ
(با تکیه بر نقش مدرسه دارالفنون)

روند تاریخی شکل‌گیری

نظام آموزشی نوین

تاریخ آموزش و پرورش مطالعه روش‌هایی است که در طول قرن‌ها و درون تمدن‌ها برای پرورش انسان به کار رفته‌اند تا فرد بتواند نقش انسانی خود را در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، ایفا کند. تاریخ آموزش و پرورش در واقع شناخت تصویری است که در طول تاریخ از انسان می‌شده است.

با توجه به این تعریف، موضوع تاریخ آموزش و پرورش عبارت است از مطالعه علل و عواملی که در دوره‌های گوناگون بر انسان تأثیر گذاشته و در رفتار، کنش، اندیشه،

گرفت و سپس انقلاب مشروطه را در پی داشت، گروهی را به فکر تعلیم و تربیت عموم مردم ایران انداخت. از دیدگاه صاحب نظران، تاریخ تعلیم و تربیت نوین ایران را براساس هدف می‌توان به دو دوره تقسیم کرد:

دوره نخست شامل تأسیس دارالفنون و مدرسه‌ای عالی، اعزام دانشجو به اروپا و گسترش مدرسه‌های میسیونری و خارجی است. در این دوره، منظور از تربیت جدید، پرورش نیروهای نظامی و اداری کارآمد برای تکمیل کادر دولت بود.

دوره دوم شامل توسعه مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه در سراسر کشور است. مأموریت‌های آموزش و پرورش در این دوره، گسترش آگاهی عمومی نسبت به حقوق و آزادی‌های اجتماعی و همچنین انتقال هنجارهای اجتماعی به شهروندان ایرانی بود. میرزا حسن رشدیه و میرزا یحیی دولت‌آبادی و دیگران، مدرسه‌هایی به سبک جدید و با اقتباس از الگوهای مراکز آموزشی فرهنگ تأسیس کردند و در آن‌ها به تدریس علوم جدید پرداختند. (آقازاده، ۱۳۸۲: ۲۶)

«با آغاز حکومت مشروطه، تأسیس مدرسه‌های دولتی، ملی و تحصیل اجباری در حوزه وظایف دولت قرار گرفت. در سال ۱۲۹۰ش قانون اساسی فرهنگ در مجلس دوم به تصویب رسید. قانون مذکور که از جامع‌ترین قوانین آموزش و پرورش کشور در دوره مشروطیت به شمار می‌رود، مشتمل بر ۲۸ ماده بود. این قانون در تعمیم آموزش و پرورش و توسعه مدرسه در آن زمان نقش عمده‌ای داشته است.» (پیشین)

«در سال ۱۳۲۲ش قانون تعلیمات اجباری به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید و به موجب آن مقرر شد طی گذشت دو سال، در تمام کشور آموزش ابتدایی به صورت اجباری و همگانی به اجرا درآید.» (همان، ص ۲۸)

«به موجب قانون اساسی مصوب آبان ۱۲۹۰ شمسی (ماده ۱۵) برای تحصیل چهار درجه تعیین شده بود؛ به این ترتیب:

۱. دبستان دهکده که در روستاهای کوچک دایر می‌شد و طول دوره تحصیل آن چهار سال بود و معلمان آن دارای مدرک ششم ابتدایی بودند.

۲. دبستان شهر که مدت تحصیل ابتدایی در آن شش سال تعیین شده بود و معلمان آن مدرک دوره اول متوسطه یا بالاتر داشتند.

۳. دبیرستان که طول دوره متوسطه در آن تا دی ماه ۱۳۳۳ش شش سال بود، از مهرماه ۱۳۳۴ به دو دوره سه ساله اول که جنبه همگانی داشت و دوره سه ساله دوم که به رشته‌های ادبی، ریاضی، طبیعی، کشاورزی، حرفه‌ای، خانه‌داری (دختران)، بازرگانی و امور دفتری تقسیم می‌شد، تغییر یافت و تأسیس مدرسه‌های خصوصی با

نگرش و نحوه زندگی وی تغییر و دگرگونی ایجاد کرده‌اند؛ آگاهی از گذشته اقوام و ملل به منظور کسب تجربه، عبرت‌آموزی و پرهیز از تکرار اشتباهات آنان و کسب تجربه‌های ارزنده. شیواترین کلام در این زمینه را حضرت علی(ع) در درسی خطاب به فرزند گرامی خود حضرت امام حسن(ع) فرموده‌اند: «ای فرزند عزیزم، گرچه عمر من هم‌زمان با عمر گذشتگان نبوده است، ولی در کارهای آنان نظر افکنده‌ام و در تاریخشان با دقت فکر کرده و در آثارشان سیر نموده‌ام تا جایی که از کثرت اطلاع مانند یکی از آنان به حساب آمده‌ام. اخباری که از گذشتگان دریافت داشته‌ام، به قدری مرا به وضع آنان آگاه کرده که گویی خود به شخصه با اولین تا آخرین آن‌ها زندگی کرده‌ام و جریان آموزش را از نزدیک دیده‌ام.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

صاحب نظران و مورخان تعلیم و تربیت، ضمن ارائه تقسیم‌بندی‌های گوناگون از روند تحول و تکوین آموزش و پرورش در ایران، آن را به چند دوره تقسیم کرده‌اند:

- از ابتدا تا صدر اسلام (آموزش و پرورش دوره باستان)؛
- از صدر اسلام تا حمله مغول (قرن هفتم قمری)؛
- از حمله مغول تا عصر صفویه (قرن دهم قمری)؛
- از عصر صفویه تا تأسیس دارالفنون (نیمه اول قرن سیزدهم قمری)؛
- از تأسیس دارالفنون تا زمان حاضر.

آموزش و پرورش در ایران از تأسیس دارالفنون تا زمان حاضر

شکست‌های ایران از روسیه و اوضاع اسفناک سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در عصر قاجار، محدود افراد دلسوز و آگاهی چون امیرکبیر را به فکر جبران عقب‌ماندگی‌های ایران و اصلاح امور انداخت. یکی از اقدامات امیرکبیر در این راستا، تأسیس مدرسه دارالفنون بود. افتتاح این مدرسه به سال ۱۲۶۸ق (۱۲۳۰ش)، سرآغاز توجه به تعلیم و تربیت نوین در ایران بود.

آقازاده در این باره می‌نویسد: «باید اذعان کرد، در طول تاریخ طولانی آموزش و پرورش کشورمان، این نخستین بار بود که دولت مرکزی اقدام به تأسیس چنین مدرسه‌ای در سطح متوسطه و عالی نموده و تمام مخارج و هزینه تأسیس، نگهداری و اداره امور آن را بر عهده گرفته بود و حتی می‌شود گفت این نخستین گامی است که دولت مرکزی ایران مسئولانه در امر تعلیم و تربیت کشور برداشته است و به همین جهت تأسیس دارالفنون را باید نقطه عطفی در سیر تاریخ آموزش و پرورش کشورمان دانست.» (آقازاده، ۱۳۸۲: ۲۳)

ارتباط ایرانیان با اروپاییان و پیدایش اندیشه اصلاح امور ایران که از عصر ناصرالدین شاه، شدت بیشتری به خود

کمک دولت مورد تشویق قرار گرفت.

۴. دوره عالی که در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی صورت می‌گرفت» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۱۹)

«در سال ۱۳۱۷ش در سازمان و برنامه دبیرستان‌ها تجدیدنظر شد و به تقلید از فرانسه، دوره شش ساله متوسطه که تا آن زمان به دو دوره سه ساله تقسیم شده بود، به سه دوره اول سه ساله، دوم دو ساله و سوم یک ساله تقسیم شد» (همان، ص ۱۲)

«در سال ۱۳۴۴ش طرح تغییر نظام آموزشی کشور تهیه شد و هدف‌های کلی آموزش و پرورش چنین اعلان شد: رشد متعادل و سلامت تن و روان، تربیت اخلاقی و معنوی، تربیت هنری و فرهنگی، تربیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی» (همان: ص ۱۲۱)

«در طرح مذکور، دوره‌های شش ساله ابتدایی و شش ساله متوسطه قبلی به سه دوره پنج ساله ابتدایی و سه ساله راهنمایی تحصیلی - که جزو تعلیمات عمومی بود و رایگان محسوب می‌شد - به کودکان ۶ تا ۱۴ ساله تعلق داشت. دوره متوسطه به دو رشته نظری و فنی تقسیم می‌شد تا دانش‌آموزان برحسب استعداد و علاقه‌مندی خود و نتایج حاصل از دوره راهنمایی تحصیلی، به یکی از دو رشته فوق هدایت شوند.

طول دوره آموزش متوسطه در طرح جدید چهار سال بود، از سن ۱۳ تا ۱۸ سالگی را دربرمی‌گرفت و به شاخه‌های علوم، علوم انسانی و فنی و حرفه‌ای تقسیم می‌شد. از سال دوم، تحصیلات شاخه علوم به دو رشته ریاضی - فیزیک و علوم تجربی و شاخه علوم انسانی به رشته‌های فرهنگ و ادب و اقتصادی - اجتماعی منشعب می‌شدند. آموزش فنی - حرفه‌ای نیز چهار ساله بود، از شاخه‌های صنعت، کشاورزی، حرفه‌های روستایی و خدمات تشکیل شده بود و افزون بر آن‌ها، آموزش کودکان استثنائی و بزرگسالان نیز در ساختار نظام آموزشی وجود داشت» (همان، ص ۱۲۲)

در تاریخ ۲۰/۱۲/۱۳۶۴ش مصوبه پنجاه و نهمین جلسه مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۶۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش به وزیر آموزش و پرورش ابلاغ و براساس آن شورای «تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش» تشکیل شد. این شورا حاصل بررسی و مطالعات خود را به صورت طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در خرداد ۱۳۶۷ش ارائه داد و در تیرماه ۱۳۶۸ش، شورای عالی انقلاب فرهنگی کلیات طرح مذکور را تأیید کرد؛ اما از آنجا که اجرای هم‌زمان طرح‌ها و برنامه‌های تغییر بنیادی میسر نبود و نظریه اهمیت دوره متوسطه، تغییرات جدید از دوره متوسطه آغاز شد. دوره‌های ابتدایی و راهنمایی به صورت قبلی (پنج سال ابتدایی و سه سال راهنمایی تحصیلی) باقی ماندند.

در طرح جدید، دوره متوسطه از چهار سال به سه سال

کاهش یافت و مجموع سال‌های تحصیلی مدرسه از دوازده سال به یازده سال کاهش یافت. همچنین، نظام ۹ ماهه تحصیلی به دو نیم‌سال تقسیم و نظام واحدی به شیوه آموزش عالی برقرار شد. برای هر واحد درسی نظری، دو ساعت در هفته در طول یک نیم‌سال و یا یک ساعت در هفته در طول سال تحصیلی، در نظر گرفته شد. زمان هر واحد عملی نیز معادل یک و نیم تا سه برابر هر واحد درسی معین شد. برنامه‌های درسی دوره متوسطه از درس‌های عمومی، اختصاصی، اختیاری، پودمان‌های مهارت و آموخته‌های خارج از مدرسه تشکیل شده‌اند.

دوره متوسطه در نظام جدید از شاخه‌ها و دوره‌های زیر تشکیل شده است:

۱. شاخه متوسطه نظری که به چهار رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم و معارف اسلامی، ریاضی - فیزیک، و علوم تجربی تقسیم می‌شود؛

۲. شاخه متوسطه فنی و حرفه‌ای که رشته‌های متنوع و فراوانی دارد؛

۳. شاخه متوسطه کاردانش (آموزش‌های مهارتی) که رشته‌هایی در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات دارد.

شکل‌گیری نظام آموزش و پرورش نوین در ایران

با بررسی تاریخ علم‌آموزی در ایران، به راحتی می‌توان دریافت، این موضوع سابقه‌ای به قدمت تاریخ ایرانی دارد و از روزگار قدیم زیر بنای شکل‌گیری اندیشه، فرهنگ و تمدن در این سرزمین بوده است.

نظام نوین تعلیم و تربیت در ایران در واقع با افتتاح دارالفنون در سال ۱۲۶۸ق و تأسیس وزارت علوم در سال ۱۲۷۲ق شکل گرفت. در سال ۱۳۲۲ قانون تعلیمات اجباری به تصویب مجلس شورای ملی رسید و به موجب آن قرار شد، طی گذشت دو سال در تمام کشور آموزش ابتدایی به صورت اجباری و همگانی به اجرا درآید.

در سال ۱۳۲۸ق برنامه چهار ساله ابتدایی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید که به موجب آن طول دوره ابتدایی در روستا چهار سال و در شهرها به مدت شش سال تعیین شد. (صدیق، ۱۳۴۲: ۳۵۸)

چهار سال پس از استقرار مشروطیت در یازدهم شهریور ۱۲۸۹ خورشیدی، برابر با ۱۳۲۹ق، قانون اداری وزارت معارف به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. این قانون طوری تنظیم و پیش‌بینی شده بود که سال‌ها جوابگوی احتیاجات فرهنگی کشور بود.

در اسفند ۱۳۰۰ش قانون شورای عالی معارف مشتمل بر ۱۵ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. قبل از تشکیل شورای عالی معارف، انجمنی به نام «انجمن معارف» تشکیل شد که کتاب‌هایی برای تدریس در مدرسه‌های آن روز تألیف کرد، مانند «تاریخ ایران» به قلم

محمد علی فروغی، «تعلیم الاطفال» به قلم مفتاح‌الملک، «جغرافیا» به قلم مهندس‌الملک و... (یار شاطر و دیگران، ۱۳۵۴: ۱۹۴)

در سال ۱۳۱۶ش، نام وزارت معارف به وزارت فرهنگ تغییر یافت و شورای عالی معارف به شورای عالی فرهنگ مبدل شد. در آذرماه ۱۳۴۳ و بهمن‌ماه ۱۳۴۶ به موجب دو قانون جداگانه، وزارت فرهنگ به سه وزارتخانه مستقل به شرح زیر تقسیم و هر وزارتخانه، به سرپرستی وزیری جداگانه، متولی کلیه امور فرهنگی و آموزشی در حیطه قانونی خویش در کشور شد:

■ **وزارت آموزش و پرورش؛** که عهده‌دار تعلیمات عمومی بود و اداره امور مربوط به کودکان، دبستان‌ها، دبیرستان‌ها، آموزشگاه‌های حرفه‌ای، هنرستان‌ها، دوره جدید راهنمایی تحصیلی، دانش‌سرای مقدماتی و انستیتوهای تکنولوژی را بر عهده داشت.

■ **وزارت علوم و آموزش عالی؛** که عهده‌دار تعلیمات عالی و تحقیقات علمی شد و اداره مربوط به دانشگاه و مدرسه‌های عالی و تحقیقات علمی را بر عهده داشت. وزارت فرهنگ و هنر؛ که عهده‌دار حفظ و توسعه میراث فرهنگی بود و امور فرهنگ و هنر و پیشرفت آن، حفظ آثار تاریخی و هنر ملی، توسعه و شناساندن میراث کهن و تمدن باستانی، ایجاد موزه، کتابخانه و تربیت هنرمند را انجام می‌داد. از آذر سال ۱۳۴۳ خورشیدی به بعد است که نام «آموزش و پرورش» به جای «فرهنگ» در ایران تثبیت شد. (خسروانیان، ۱۳۷۸: ۷۴)

هر کدام از وزارتخانه‌های مذکور دارای شورا، معاونان، بخش‌ها و حوزه‌های متعددی در مرکز و شهرستان‌ها بودند و به مرور نهادهای جدیدی با وظایف و تکالیف جدید پدید می‌آمدند: «انجمن خانه و مدرسه، بهداری، آموزشگاه‌ها، تربیت‌بدنی و پیشاهنگی آموزش سالمندان، سپاه دانش (۱۳۴۱ش)، سپاه بهداشت و سپاه ترویج و آبادانی (۱۳۴۳ش)، تدوین قانون تعلیمات اجباری (۱۳۵۰ش) و جز این‌ها- که گاه فقط اسم ظاهری داشتند- از آن جمله بودند. (همان، ص ۷۴)

وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۴۶ تاکنون، مرجعی است که عهده‌دار آموزش، تربیت و هدایت دانش‌آموزان در سه دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) یا متولی دوره آموزش عمومی در ایران است. اهداف، اصول، مبانی آموزشی، برنامه‌های درسی و مقررات اداره مدرسه‌ها از سوی این وزارتخانه تعیین و ابلاغ می‌شود. (کارگر، ۱۳۸۹: ۲۹)

با مروری بر قوانین، اساسنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، مصوبات آموزشی و پرورشی، ملاحظه تشکیلات، مناصب، ادارات، نهادها، سازمان‌ها، آموزشگاه‌ها، مدرسه‌های فراوان و مشاهده جمعیت انبوه دانش‌آموزی، آموزگاران، معلمان، دبیران و مدرسان وابسته به آن، می‌توان به

آسانی به نقش و اهمیت این نهاد عظیم فرهنگی برای تربیت نسل جدید و نهادینه کردن ارزش‌های حاکم بر جامعه و در نتیجه تشکیل هویت فردی و اجتماعی فرزندان ایرانی پی برد.

تاریخچه ظهور و تکوین دوره متوسطه از آغاز تا سال

۵۷

تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ش را باید سرآغاز مدرسه متوسطه به سبک جدید در ایران دانست. الگوی این مدرسه از نظر ساخت، برنامه‌های درسی و مقررات آموزشی از کشورهای اروپایی، به ویژه فرانسه، اقتباس شده بود.

پس از دارالفنون در شهرهای تهران، تبریز، ارومیه، اصفهان، همدان و رشت، مدرسه‌های متوسطه پسرانه و دخترانه توسط فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها تأسیس شدند. در دستور تحصیلات شش‌ساله متوسطه، مصوب ۱۳۱۰ش، پس از دوره شش‌ساله ابتدایی، دوره متوسطه به صورت دوره‌های اول و دوم اعلام و مدت تحصیل در هر دوره سه سال تعیین شد.

در سال ۱۳۱۳ش محل تحصیل دوره ابتدایی را «دبستان» و مدرس این دوره را معلم و محل تحصیل دوره متوسطه را دبیرستان و مدرس این دوره را دبیر نامیدند (کارگر، ۱۳۸۹: ۲۹)

هم‌زمان با ایجاد و گسترش دبیرستان‌های نظری، تأسیس مدرسه‌های متوسطه فنی و حرفه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفت و مدرسه فلاح در رشت (۱۲۹۳)، هنرستان فنی با دو رشته درودگری و فلزکاری (۱۲۸۵) و دبیرستان تجارت (۱۳۰۳) در تهران به وجود آمدند. تا سال ۱۳۳۵ در مدت دوره اول متوسطه تغییری ایجاد نشد. دوره دوم متوسطه شامل دو سال عمومی و یک سال تخصصی بود و به دارنگان مدرک تحصیلی دوره دوساله عمومی، گواهی‌نامه پنجم علمی داده می‌شد. مدت تحصیل در رشته‌های نظری، و فنی و حرفه‌ای در دوره دوم متوسطه سه سال بود. با گذراندن سال آخر دبیرستان (دوره یک‌ساله)، گواهی‌نامه دیپلم کامل متوسطه دریافت می‌شد.

در سال تحصیلی ۱۳۳۴-۱۳۳۵ با تصویب شورای عالی فرهنگ، رشته‌های ادبی، ریاضی، طبیعی و خانه‌داری برای دختران، پسران و رشته‌های فنی و کشاورزی برای پسران ایجاد شد. در آیین‌نامه تصویب شده سال ۱۳۳۸، بر استفاده از خدمات راهنمایی و توجه به استعداد و علاقه دانش‌آموزان در انتخاب رشته تحصیلی تأکید شد.

در طرح اصلاح آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۴۴ و در پی تأسیس دوره راهنمایی تحصیلی، دوره متوسطه فنی و حرفه‌ای شامل چهار سال تحصیل رسمی در دو بخش عمده نظری، و فنی و حرفه‌ای با رشته‌های متنوع

و متعدد پیش‌بینی شد. در سال تحصیلی ۱۳۵۴-۱۳۵۳ ساختار آموزش متوسطه عبارت بود از:

- شاخه عمومی یا نظری شامل رشته‌های اقتصاد، اجتماعی، فرهنگ و ادب، علوم تجربی و ریاضی، فیزیک.
- شاخه جامع شامل رشته‌های متنوعی با عنوان آموزش عمومی، فنی، بازرگانی، حرفه‌ای و کشاورزی که پس از یک سال اجرا متوقف ماند.

مدت تحصیل در هر یک از این شاخه‌ها چهار سال بود. دانش‌آموزان دوره متوسطه معمولاً سال اول متوسطه را در شاخه‌های تحصیلی ذکر شده می‌گذراندند و پس از آن در یکی از رشته‌های تحصیلی به مدت سه سال تحصیل می‌کردند. به فارغ‌التحصیلان دوره چهار ساله متوسطه دیپلم کامل در یکی از رشته‌های مربوط داده می‌شد (صافی، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۲).

شکل‌گیری برنامه و کتاب‌های درسی (تألیف و چاپ کتاب‌های درسی)

«برنامه درسی مجموعه قواعد و ضوابطی است که به مجموعه عوامل و عناصر مرتبط با یادگیری منطبق و سازمان می‌دهد.» (همان، ص ۵۴) در مفهوم دقیق‌تر اما محدودتر، برنامه درسی شامل رشته منظمی از واحدهای درسی و موضوعاتی است که برنامه آموزشی رسمی مدرسه را تشکیل می‌دهند (گوتک، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۲).

از آنجاکه مدرسه دارالفنون نخستین آموزشگاه رسمی بود که به روش جدید در ایران ایجاد شده بود، وجود کتاب‌های درسی رسمی ضرورت داشت. با دایر شدن چاپ سربی در سال ۱۲۳۳ ق برای نخستین بار در تبریز و چاپخانه‌ای دیگر در همان شهر (تبریز)، در سال ۱۲۴۰ ق و سال‌های بعد در چاپخانه‌هایی در تهران، اصفهان، شیراز و توسعه دستگاه‌های چاپ، زمینه برای تکثیر آسان تر کتاب، به ویژه کتاب‌های درسی، آماده شد.

معلمان خارجی که برای تدریس در مدرسه دارالفنون دعوت شده بودند، در آغاز کتاب‌های درسی را به زبان خارجی (بیشتر به فرانسه) تدریس می‌کردند. در همان سال‌های نخستین، معلمان ایرانی برای اولین بار چند کتاب درسی برای استفاده دانشجویان دارالفنون به فارسی تألیف یا ترجمه کردند. این معلمان و مترجمان از نخستین استادان یا فارغ‌التحصیلان آن مدرسه بودند.

دارالفنون دارای چاپخانه بود و نخستین کتاب‌های درسی که به خط نسخ یا نستعلیق به وسیله خوشنویسان آن زمان نوشته شد، در همان چاپخانه و به صورت چاپ سنگی تهیه شد و در دسترس دانشجویان و معلمان قرار گرفت. نخستین مشکلی که برای تهیه کتاب‌های درسی این دوره وجود داشت، نداشتن اصطلاحات علمی تعریف شده‌ای بود که به جای واژه‌های خارجی به کار رود. نداشتن کاغذ و مرکب مرغوب، فقدان استادکار ماهر

و تجهیزات ناقص از دیگر مشکلات بود (کارگر، ۱۳۸۹: ۳۵). اجباری شدن آموزش ابتدایی و افزایش تدریجی مدرسه‌ها، تولید کتاب‌های درسی را الزامی کرد و کسانی را واداشت برای دستیابی به این هدف به تکاپو برخیزند. با تأسیس مدرسه‌های جدید خصوصی، ضرورت تألیف و تهیه کتاب‌های درسی بیشتر احساس می‌شد. مدرسه‌های خصوصی به دلیل این‌که سازمان و برنامه ثابت و ویژه‌ای نداشتند، از کتاب‌های مختلفی به عنوان کتاب‌های درسی استفاده می‌کردند (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

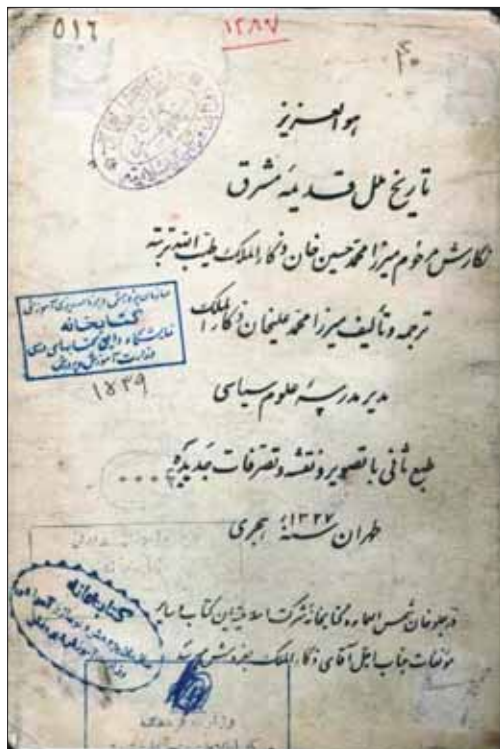
در آن زمان، انجمن معارف سهم بسزایی در تسریع حرکت فرهنگی کشور ایفا کرد. این انجمن، افزون بر سامان‌دهی مدرسه‌ها و تأسیس کتابخانه عمومی، به فکر تهیه و توزیع کتاب‌های درسی از جمله یک دوره تاریخ ایران نوشته شده بر اساس مستندات علمی افتاد (تقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۴).

در سال ۱۳۰۰ ش مؤلفان و ناشران ملزم شدند که کتاب‌های درسی را برابر با برنامه وزارت و قانون شورای عالی فرهنگ تألیف و چاپ کنند. با این حال، معلمان در مواردی، به علت کمبود کتاب، اقدام به جزوه‌گویی می‌کردند. در نهم تیر ۱۳۰۸ بنا به تصویب هیئت دولت، چاپ و تألیف کتاب‌های ابتدایی به انحصار دولت و وزارت معارف درآمد و برای نخستین بار کتاب‌های وزارت معارف در کشور انتشار یافت (همان، ص: ۱۲۹).

وزارت معارف برای یکنواخت کردن کتاب‌های درسی در سراسر کشور، از تعدادی معلمان فاضل، مؤلفان آگاه و با تجربه دعوت می‌کند تا یک دوره کتاب کلاسی برای مدرسه‌های ابتدایی تألیف کنند. نخستین کتاب را برای کلاس اول تألیف کردند که با خط نستعلیق خوش و تصویرهای زیبا چاپ شده بود. در سال ۱۳۱۲ تمامی کتاب‌های دوره ابتدایی در سراسر کشور یکسان و کتاب‌های مختلف دیگر از دور خارج شدند. همچنین، دولت در دو نوبت که در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۱۱ صورت گرفت، برنامه جدید مدرسه‌های متوسطه در ایران را تدوین کرد تا از طریق برنامه‌های درسی مدرسه‌ها، اهداف خویش را مبنی بر سلطه بر افراد و یکسان‌سازی جامعه عملی سازد. (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۱۴)

در پی نتیجه‌ای که از چاپ و انتشار کتاب‌های دبستانی حاصل شد، تهیه کتاب‌های دبیرستانی نیز مورد توجه وزارت قرار گرفت. در سال ۱۳۱۷ ش، بر اساس تصویب‌نامه هیئت وزیران، هیئتی از افراد باصلاحیت، کار تهیه و چاپ کتاب‌های دبیرستانی را بر عهده گرفتند. پس از چندی هشتاد عنوان کتاب درسی تهیه شد.

با وقوع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین در سال ۱۳۲۰ ش چاپ کتاب توسط دولت تا چند سال دچار وقفه شد. در این زمان، ناشران و مؤلفان اجازه یافتند کتاب‌های درسی را به طور آزاد تألیف و منتشر کنند و به این ترتیب برای هر عنوان درسی کتاب‌های مشابهی



مؤلفان تازه هم با خطاهای زیاد همراه بود. از سوی دیگر، چاپ این حجم از کتاب در کشور کار مشکلی بود؛ چنانکه برابر قرارداد لازم بود در سال ۱۳۵۶ تعداد ۵۵ میلیون جلد کتاب در فاصله ۵ ماه چاپ و توزیع شود. افزون بر مشکل ناآشنایی معلمان با محتوای کتاب‌ها، از آن جا که برخی کتاب‌ها به موقع به دست دانش‌آموزان نمی‌رسیدند، شماری از کلاس‌ها به حالت نیمه‌تعطیل درآمدند و این جریان، موج انتقاد عمومی را برانگیخت. این انتقادات متوجه وزارت آموزش و پرورش بود. در پاسخ به این انتقادات، به جای جبران کاستی‌ها، تغییر و تبدیل‌های تازه و نو و غالباً شتاب‌زده و بدون مطالعه در برنامه‌ها و کتاب‌ها به عمل آمد، چنانکه در نتیجه این رویه، نظام جدید آموزش و پرورش پیش از آن که بتواند محصول خود را به جامعه عرضه کند، به عنوان یک نظام غیر کارآمد و مشکل‌ساز معرفی شد.

سازمان کتاب‌های درسی ایران افزون بر تألیف و چاپ کتاب‌های درسی دانش‌آموزان و دانشجویان مراکز تربیت معلم، چاپ کتاب دانش‌سراهای مقدماتی و راهنمایی را هم بر عهده داشت. این سازمان در آخرین سال پیش از انقلاب، برای سال تحصیلی ۵۷-۵۸ در کل ۶۳۶ عنوان کتاب درسی تألیف و چاپ کرد. شمارگان مجموع این کتاب‌ها بالغ بر ۷۰ میلیون جلد کتاب بود. (معمدی، ۱۳۸۴: ۲۰ تا ۲۲)

تغییرات متعدد و ریشه‌ای برنامه‌های درسی در دوره بعد از انقلاب با شتاب‌گیری روند نهضت سوادآموزی در ایران

تألیف شد، چنان‌که شمار کتاب‌های درسی از ۸۰ عنوان به حدود ۴۲۸ عنوان رسید. این امر نوعی آشفتگی در فرایند تهیه کتاب درسی به وجود آورد. (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۲۹)

سرانجام برابر تصویب نامه مورخ ۱۳۴۱/۱۲/۱۸ هیئت دولت، تألیف و نشر کتاب‌های درسی به وزارت فرهنگ واگذار شد.

در پی این تصویب‌نامه، سه کار اساسی صورت گرفت:

۱. تشکیل شرکت سهامی طبع و نشر کتاب درسی؛ چاپ و توزیع کتاب‌های درسی به این شرکت واگذار شد.
۲. تشکیل ۱۴ کمیسیون با شرکت ۶۳ نفر از استادان و دبیران کارآزموده برای انتخاب یک کتاب در هر ماده درسی
۳. تهیه اساسنامه سازمان کتاب‌های درسی ایران و به تصویب رساندن قانون آن.

در ماده یک این اساسنامه چنین آمده است: «به منظور تألیف و تهیه متن کتاب‌های درسی مورد نیاز در دبستان‌ها و دبیرستان‌های کشور، یک مرکز علمی به نام سازمان کتاب‌های درسی ایران زیر نظر وزارت فرهنگ، برابر مقررات زیر، تأسیس می‌شود: سازمان کتاب‌های درسی از آن رو تشکیل شد که کتاب‌های درسی ایران با توجه به سنن مذهبی، علمی، فرهنگی، ملی و نیازمندی‌های حال و آینده کشور، بر مبنای آخرین و صحیح‌ترین اطلاعات علمی و متناسب با اصول تعلیم و تربیت، همچنین استعداد دانش‌آموزان در سال‌ها و مراحل مختلف تحصیل با رعایت نظم طبیعی و منطقی، همراه با تصویرهای لازم آماده شود و سادگی و روانی عبارات و هماهنگی اصطلاحات علمی، املائی واحد صحیح و اصول نقطه‌گذاری در آن‌ها رعایت گردد. (کارگر، ۱۳۸۹: ۳۴)

به دنبال این اساسنامه، مقدمات تشکیل سازمان کتاب‌های درسی ایران فراهم شد و سرانجام نخستین جلسه هیئت امنای آن با شرکت آقایان دکتر خانلری، دکتر ضیایی، رضا اقصی، دکتر محمد بهزاد و پروفیسور فاطمی در ۱۳۴۳/۸/۱۴ تشکیل گردید و دکتر محمد بهزاد، با پیشنهاد وزیر فرهنگ و تصویب هیئت دولت، به مدت سه سال به ریاست سازمان منصوب شد. تشکیل این سازمان در همان سال اول نتیجه داد و مشکلات ناشی از کمبود کتاب‌های درسی از میان رفت. (معمدی، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۹)

از سال ۱۳۵۳ سازمان کتاب‌های درسی با دو مشکل عمده در موضوع تألیف و چاپ و توزیع روبه‌رو شد؛ تألیف کتاب‌های درسی برای رشته‌های متنوع و متفاوت دبیرستان کار آسانی نبود و لازم بود برابر برنامه جدید حدود ۵۰۰ عنوان کتاب برای دوره متوسطه نظری و فنی و حرفه‌ای تألیف شود.

تألیف کتاب در این حجم انبوه برای نخستین بار کار آسانی نبود. بعضی از رشته‌ها کاملاً جدید و تازه بودند و هیچ کتابی پیش از آن به فارسی در موضوع آن‌ها نوشته نشده بود. پس انتخاب مؤلف ورزیده امکان نداشت و کار

باید بر اصول علمی و طراحی آموزشی مبتنی باشد تا بتواند به تحقق اهداف و رسالت‌های تعلیم و تربیت کمک کند.» (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۹-۹۸)

شکل‌گیری کتاب‌های درسی تاریخ

هر چند که آغاز تاریخ‌نویسی درسی برنامه‌ریزی شده را باید دوران مظفرالدین شاه دانست، اما تاریخ‌نویسی درسی از زمان تأسیس دارالفنون آغاز شد و نخستین کتاب درسی را ژول ریشار دربارهٔ زندگی ناپلئون نوشت. (صفت گل، ۱۳۷۸: ۱۵۴)

انجمن معارف افزون بر سامان‌دهی مدرسه‌ها و تأسیس کتابخانهٔ عمومی، به فکر تهیه و توزیع کتاب‌های درسی و از جمله یک دوره تاریخ ایران که از روی مستندات علمی نوشته شده باشد، افتاد. (دولت‌آبادی، ۱۳۷۵: ۲۰۲)

یکی از کتاب‌هایی که دربارهٔ تاریخ ایران نوشته شده و بر پایه‌ای معین و با هدف آموزشی مشخص تألیف شده است، کتاب تاریخ ایران تألیف محمدعلی فروغی است که در مقدمهٔ آن آمده است: «مدرسه‌های ما از این پس در علم تاریخ، کتاب درسی برای تدریس خواهند داشت.»

از اول بهمن‌ماه ۱۳۱۱ با چاپ کتاب‌های وزارتی تا سال ۱۳۱۲ تمامی کتاب‌های دورهٔ ابتدایی در سراسر کشور یکسان و کتاب‌های مختلف دیگر از دور خارج شدند. در نتیجه کتاب‌های درسی تاریخ هم در سراسر کشور، چه در دورهٔ ابتدایی و چه در دورهٔ متوسطه، در سال ۱۳۱۷ یعنی در زمان وزارت اسماعیل مرآت، وزیر فرهنگ آن روز ایران، که کتاب‌های دبیرستان در رشته‌های مختلف یکنواخت شدند، تابع همین قاعده بوده است. (خسراوانیان، ۱۳۸۷: ۷۹)

کتاب‌های درسی تاریخ چاپ وزارتی به قلم جمعی از نویسندگان و استادان دانشگاهی مانند غلامرضا رشید یاسمی، رضا زاده شفق، عبدالحسین شیبانی، حسین فرهودی و نصرالله فلسفی و... تألیف و در مدرسه‌ها توزیع می‌شدند.

از سال ۱۳۴۶ که «سازمان کتاب‌های درسی» تأسیس می‌شود و پس از آنکه این سازمان با «سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی» ادغام می‌شود و سرانجام پس از انقلاب که با تصویب شورای انقلاب اسلامی نام «سازمان» به «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» تغییر می‌یابد، کتاب‌های درسی تاریخ هم بارها و بارها از نظر حجم محتوا، تصویرها و نقشه‌ها، نوع کاغذ و... تغییراتی به خود دیده‌اند. (خسراوانیان، ۱۳۸۷: ۸۰)

در حال حاضر، امور مربوط به آماده‌سازی، چاپ و توزیع کتاب‌های درسی در ایران بر عهدهٔ ادارهٔ کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی و زیرنظر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است که یکی از سازمان‌های وابسته به وزارت آموزش و پرورش محسوب می‌شود.

هم‌زمان می‌شود و اولین باری که کتاب‌های درسی تغییر داده می‌شوند، برای زدودن عکس‌ها و نشانه‌هایی است که از نظام سابق (پهلوی) در این کتاب‌ها وجود دارد.

در سال تحصیلی ۱۳۵۹-۱۳۶۰ کتاب‌های درسی تغییراتی جزئی پیدا می‌کنند، اما تغییرات عمده به سال ۱۳۶۱-۱۳۶۰ مربوط می‌شود. در این سال است که کتاب‌های درسی حاوی نقطه‌نظرهای جمهوری اسلامی، جانشین کتاب‌های درسی سابق می‌شوند (یاوری، ۱۳۷۷: ۹۷). از آن به بعد، هر از چندگاهی محتوای کتاب‌های درسی با توجه به پیشرفت علوم و ابزارها، رشد روش‌های علمی و نیازهای جامعه، تغییراتی جزئی و کلی می‌کنند که در این میان کتاب‌های درسی تاریخ هم از روند تغییرات بی‌نصیب نبوده‌اند.

جایگاه کتاب درسی در نظام‌های آموزشی

«در نظام‌های آموزشی متمرکز نظیر ایران، معمولاً محتوا در قالب کتاب‌های درسی ارائه می‌شود و کتاب درسی محور آموزش و یادگیری است و به همین اعتبار، فقدان آن موجب سرگردانی مربی و فراگیرنده می‌شود. به‌ویژه که ارزشیابی از میزان یادگیری در چنین شرایطی، غالباً موقوف به محتوای کتاب است و شاید بی‌دلیل نباشد که چنین نظام‌های آموزشی را «کتاب محور» می‌نامند و نقطهٔ مقابل آن را «برنامه محور» تلقی می‌کنند. بنابراین، در خصوص نقش و جایگاه کتاب درسی در نظام آموزشی کشورمان می‌توان گفت:

۱. هستهٔ اصلی تلاش‌ها و فعالیت‌های برنامه‌ریزان درسی به تهیه و تولید محتوای کتاب‌های درسی معطوف است؛

۲. در نظام‌های متمرکز، جهت‌دهندهٔ تمام فعالیت‌های آموزشی (معلمان، دانش‌آموزان و دست‌اندرکاران) کتاب است؛

۳. بیش از ۹۰ درصد زمان آموزش در کلاس‌های درس به آموزش محتوای کتاب‌های درسی اختصاص دارد؛

۴. کتاب درسی مهم‌ترین ابزار تحقق رسالت‌های نظام آموزشی است؛

۵. تسلط بر محتوای کتاب‌ها، تنها معیار قضاوت در مورد کیفیت برون‌دادهای نظام آموزشی است؛

۶. امتحان و ارزشیابی به محتوای کتاب‌های درسی محدود است.

با وجود جایگاه بی‌بدیل کتاب‌های درسی در نظام‌های آموزشی متمرکز و با در نظر گرفتن رابطهٔ تنگاتنگ کمیت و کیفیت فرایندهای یاددهی-یادگیری و بازده‌های مترتب بر آن‌ها، اکثر کارشناسان آموزشی نسبت به کتاب‌های درسی با دیدهٔ تردید می‌نگرند، زیرا بین تألیف یک کتاب درسی مناسب با یک نوشتار ساده که فقط نوعی الفت بین واژگان است، تفاوت ماهوی وجود دارد. کتاب درسی مناسب

دوره‌بندی کتاب‌های درسی

منابع

کتاب‌ها و مقالات

۱. آقازاده، احمد. تاریخ آموزش و پرورش ایران؛ تحلیل سیر تحولات و رویدادهای تربیتی و شناخت اهم مسائل کنونی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات ارسباران، ۱۳۸۲.
 ۲. انوری، حسن. فرهنگ اعلام سخن. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷.
 ۳. شریعتمداری، علی. جامعه و تعلیم و تربیت: مبانی تربیت جدید. تهران: انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۶۷.
 ۴. شعاری نژاد، علی‌اکبر. فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
 ۵. شعبانی، حسن. برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
 ۶. صافی، احمد. سازمان و اداره امور مدارس. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۳.
 ۷. صفت گل، منصور. تاریخ‌نویسی درسی در ایران از دارالفنون تا برفاندان فرمانروایی قاجاران. تهران: انتشارات دانشگاه انقلاب، ۱۳۷۸.
 ۸. صفوی، امان‌الله. تاریخ آموزش و پرورش ایران؛ از ایران باستان تا سال ۱۳۸۰ شمسی با تأکید بر دوره معاصر. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۳.
 ۹. ضمیری، محمدعلی. تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام. شیراز: انتشارات ساسان، ۱۳۸۲.
 ۱۰. عبداللهی، رضا. تاریخ در ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
 ۱۱. علاقه‌بند، علی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۷۲.
 ۱۲. قاسمی بویا، اقبال. مدارس جدید در دوره قاجاریه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
 ۱۳. کهندانی، مصطفی. لوایح و قوانین شورای عالی معارف. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۹.
 ۱۴. معظمی، علی. «نظام آموزشی جدید و آموزش نظام جدید». فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو (بهار).
 ۱۶. معلم، حسین. «سیری در پیشینه نظام آموزشی؛ نقش کتب درسی و مجلات درگسترش بیندوباری». ماهنامه زمزمه، ش ۵۴ (مرداد ۱۳۸۸).
 ۱۷. ملکی، حسن. مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
 ۵. معتمدی، اسفندیار. «تاریخچه کتاب‌های درسی در ایران». سایت جزیره دانش <http://oerp.medu.ir/oerprici/index.php>.
 ۷. معتمدی، اسفندیار. «کتاب‌های درسی در ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی». سایت iicns.org.
- ### پایان‌نامه‌ها
۱. امیری، حسن (۱۳۸۸). ترسیم هویت ایرانی در کتاب‌های ادبیات فارسی و تاریخ مقطع متوسطه ایران از سال (۱۳۲۰ تا ۱۳۴۴). تهران: دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۸.
 ۲. خسروانیان، حمیدرضا. ترسیم هویت ملی (ایرانی) در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه از سال تحصیلی ۱۳۴۳-۱۳۴۴ تا ۱۳۸۵-۱۳۸۶. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۷.
 ۳. شاه‌محمدی، محمدرضا. مطالعه مظاهر ایرانی. اسلامی در کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه پس از انقلاب اسلامی (از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸). تهران: دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۹.
 ۴. کارگر، روح‌الله. مفهوم ایران در کتاب‌های تاریخ مقطع متوسطه از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۹.
- ### سایت‌ها
۱. jovini.persianblog.ir
 ۲. shiraz.ac.ir
 ۳. faranewes.net
 ۴. fa.wikipedia.org

«دوره‌بندی، چارچوب توصیف، توضیح، تفسیر، تحلیل، تبیین رویدادها و موضوعات تاریخی را تشکیل می‌دهد» (نجاتی، ۱۳۸۲: ۱۶۸)

از آنجاکه تاریخ کشورمان تاریخی دیرپا و قدیمی است و به باور بسیاری از نویسندگان و متفکران، این تاریخ افتخارآمیز، مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های هویتی ایرانیان به حساب می‌آید، «برای سهولت مطالعه این تاریخ طولانی و آشنایی هر چه بیشتر دانش‌آموزان با فرهنگ و تمدن ایران باید آن را به دوره‌هایی تقسیم کرد» (تاریخ ایران و جهان، ۱۳۸۴: ۶)

به دلیل سابقه طولانی زندگی بشر، مؤرخان بر اساس ویژگی‌های هر دوره از زندگی يك ملت یا همه ملتها، تقسیم‌بندی‌هایی را برای تاریخ قائل شده‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها سبب می‌شود شناخت روشن‌تر و درست‌تری از گذشته به دست آوریم. (خسروانیان، ۱۳۸۷: ۸۱)

ملاک‌های تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی

درباره تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی نظرات مختلفی وجود دارد. عده‌ای با دیدگاهی مادی، ابزاری و بر اساس تقسیم‌بندی سنگ و فلز، ادوات شکار، کشاورزی و صنعت، تاریخ بشر را به دوره‌های گوناگون تقسیم می‌کنند. در اینجا سه نمونه از تقسیم‌بندی‌هایی را که در کتاب‌های درسی برای تاریخ بشر-به‌طور کلی- مطرح شده است، ذکر می‌کنیم:

الف) ۱. عصر سنگ؛ ۲. عصر فلز (تقسیم‌بندی بر اساس نوع ابزار)

ب) ۱. دوران پیش از تاریخ؛ ۲. دوران تاریخی (تقسیم‌بندی بر اساس زمان)

مشهورترین تقسیم‌بندی تاریخ بشر، تقسیم دوران زندگی انسان به پنج مرحله زیر است:

۱. پیش از تاریخ
۲. باستان
۳. میانه (قرون وسطی)
۴. جدید
۵. معاصر (تاریخ ایران و جهان، ۱۳۸۴: ۷)

در کتاب‌های درسی تاریخ به صراحت اشاره شده است: «اگر چه این تقسیم‌بندی را مورخان اروپایی بر مبنای سیر تاریخ اروپا ارائه کرده‌اند، اما با تغییراتی، می‌توان آن را برای تاریخ نیز به کار گرفت.» (همان)

بنابراین، مطالب موجود در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه نیز با توجه به همین نوع از تقسیم‌بندی تنظیم و عرضه شده‌اند.